

سوره انسان و اهل بیت علیهم السلام

ابراهیم اقبال^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۷/۲۹ - تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۱۲/۹)

چکیده

سوره انسان از جمله سوره‌هایی است که در فضیلت حضرت علی و اهل بیت پیامبر - علیهم السلام - نازل شده است. روایات، اقوال و منابع زیادی بر این امر دلالت دارد؛ اما برخی از منابع اهل تسنن با مکی برشمردن سوره، این فضیلت را نادیده انگاشته‌اند. با استناد به منابع اهل تسنن و گردآوری و تحلیل روایات و اقوال در ترتیب نزول سوره‌های مکی و مدنی و نیز روایات اسباب نزول، نزول سوره در مدینه و اختصاص فضیلت یاد شده به اهل بیت - علیهم السلام - و بی‌اساس بودن سبب نزول‌های دیگر اثبات می‌شود.

کلید واژه‌ها: سوره انسان، دهر اهل بیت، ترتیب نزول سوره‌ها، سبب نزول، مکی و مدنی.

۱. استادیار دانشگاه تهران: eeghbal@ut.ac.ir

۱- مقدمه

سوره انسان (الدهر، هل أتی و الابرار) از جمله سوره‌هایی است که در مکان و زمان نزول آن اختلاف است؛ آن‌چه بر اهمیت تحقیق در این امر افزوده، سبب نزول مشهور و بیان فضایل اهل بیت پیامبر - علیهم‌السلام - است که با مدنی بودن سوره، تطبیق دارد. روایات، اقوال و منابع شیعه عموماً و اهل تسنن غالباً بر این امر یعنی مدنی بودن آن دلالت دارد؛ اما برخی از منابع اهل تسنن، سوره را مکی قلمداد کرده‌اند که در نتیجه آن، سبب نزول و فضائل نادیده انگاشته می‌شود. در این مقاله با استناد به منابع اهل تسنن و گردآوری روایات و اقوال در مباحث ترتیب نزول سوره‌ها در دو بخش مکی و مدنی و نیز روایات اسباب نزول و دسته‌بندی و تحلیل و نقد سند و متن آنها، نزول سوره در مدینه و اختصاص فضیلت یادشده به اهل بیت - علیهم‌السلام - اثبات می‌شود؛ نیز این مقاله مقدمه‌ای برای فهم تفسیر صحیح سوره می‌باشد.

۲- روایات ترتیب نزول سوره‌های قرآن

در این بخش نخست روایات ترتیب نزول سوره‌ها، به صورت مختصر، به منظور نشان دادن جایگاه سوره انسان در آنها گزارش می‌شود، سپس نکته‌ها و نقدهایی در مورد آنها ذکر می‌گردد.

۲-۱- گزارش و بررسی روایات

روایات ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم که غالباً سوره‌ها را در دو بخش مکی و مدنی گزارش می‌کند، بخشی از روایات و آثار معتبری است که در تعیین مکان و زمان نزول سوره‌ها، مورد استناد قرار می‌گیرد. این روایات - که به چند تن از صحابه و تابعان می‌رسد - به ترتیب تاریخی راویان و نیز منابع یاد کرد آنها، مورد بررسی قرار می‌گیرد و وضعیت سوره انسان در آنها مشخص می‌شود.

۲-۱-۱- روایت حضرت علی بن ابی طالب علیه‌السلام

طبرسی (۵۴۸ ق) این روایات را به نقل از احمد زاهد (حدود قرن ۵ ق) در کتاب *الایضاح* او، با استناد به سعید بن مسیب، از علی بن ابی طالب علیه‌السلام می‌آورد که حضرت علی علیه‌السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مورد ثواب قرآن سؤال می‌کند. در پاسخ، آن حضرت ثواب سوره‌های قرآن را به ترتیب نزول هر یک بیان

می‌کند. طبرسی با اختصار روایت، تنها سه سوره را در قسمت مکی (فاتحه، علق، و ن) و دوازده سوره را در قسمت مدنی می‌آورد. در قسمت دوم، سوره هل اُتی آخرین (و دوازدهمین) سوره است (نک: ۱۰/ ۶۱۴ - ۶۱۵).

۲-۱-۲- روایت عبدالله بن عباس

روایت ابن عباس از چند طریق به دست می‌رسد:

۲-۱-۲-۱- طریق عثمان بن عطاء از پدرش (عطاء خراسانی، ۵۰ - ۱۳۵ ق) این روایت را، از طریق یاد شده، این افراد بیان می‌دارند:

- ابن ضُرَیس (۲۹۴ ق) وی این روایت را با گزارش همه سوره‌ها، در دو بخش مکی و مدنی و با کاربرد حرف عطف «ثمَّ» به ترتیب نزول ذکر می‌کند. در بخش مکی، ۸۶ سوره و در بخش مدنی ۲۸ سوره قلمداد می‌شود. در این روایت «انسان» دوازدهمین سوره در بخش مدنی و در بین دو سوره الرحمن و طلاق قرار دارد (نک: ۳۳ - ۳۴).

- حسکانی (۴۷۰ ق)، او از مفسرانی است که روایت را از طریق یادشده، با چند سند، می‌آورد و آن گاه سوره‌های مدنی را به ترتیب، تا سوره‌های الرحمن، هل اُتی و طلاق، ذکر می‌کند و ادامه می‌دهد که سوره‌های مدنی ۲۸ سوره است (نک: ۳ / ۴۰۹ - ۴۱۲).
- طبرسی (۵۴۸ ق)، مفسر دیگری است که این روایت را از طریق یادشده، ولی با سند و منابعی دیگر یادآور می‌شود. متن روایت با ابن ضریس، شباهت زیادی دارد (نک: ۱ / ۶۱۲ - ۶۱۳).

بنا به گفتار طبرسی، این روایت را (از همان طریق) استاد احمد زاهد، در کتاب *الایضاح* نقل می‌کند (نک: ۱۰ / ۶۱۳).

۲-۱-۲-۲- طریق ابن جریج (۸۰ - ۱۵۰ ق)، از عطاء خراسانی (۱۳۵ ق)

روایت را از این طریق نیز، افرادی ذکر می‌کنند:

- ابن ضریس (۲۹۴ ق)، وی پس از نقل کامل روایت ابن عباس از طریق نخست، به روایتی شبیه آن از طریق ابن جریج، از عطاء خراسانی اشاره می‌دهد. با این تفاوت که ابن جریج «ضحی» را با دو احتمال مکی و مدنی، گزارش می‌کند (نک: ۳۵؛ و نیز نک: سیوطی، *اللاتقان*، ۱ / ۴۲ - ۴۳).

- ابن ندیم (۴۳۸ ق)، مؤلفی است که روایت را از این طریق گزارش می‌دهد. در این روایت، به نزول ۸۵ سوره در مکه اشاره می‌شود، آن گاه سوره‌های مدنی به ترتیب نزول

ذکر می‌گردد. براساس این گزارش، «انسان» در زمره سوره‌های مدنی و در میان «رعد» و «طلاق» قرار دارد (همو، ۴۳). این در حالی است که - پیش از آن - ترتیب نزول چهار سوره مکی را به نقل از محمد بن نعمان بن بشیر و دیگر سوره‌های مکی را از مجاهد روایت می‌کند (همو، ۴۲ - ۴۳).

- حسکانی (۴۷۰ ق) وی نیز پس از ذکر روایت از طریق نخست، می‌آورد که همانند این روایت از طریق ابن جریج از عطاء خراسانی نقل شده است (نک: ۲ / ۴۱۰).

۲-۱-۳- طریق مجاهد

روایت ابن عباس را از طریق مجاهد نیز، افرادی یادآور می‌شوند.

- ابو جعفر نحاس (۳۳۸ ق) وی از این طریق، اظهار نظر ابن عباس را در مورد مکی و مدنی بودن سوره‌ها، به ترتیب کنونی قرآن و در سرآغاز سوره‌ها، هنگام بررسی آیات ناسخ و منسوخ هر سوره و یا چند سوره، می‌آورد (نک: ۱۳۱ - ۲۶۱). در بخشی از آن، سوره‌های مدثر (۷۴) تا آخر سوره علق «أقراء بسم ربك الذي خلق» مکی به‌شمار می‌آید (نک: ۲۵۵). بر این اساس «الانسان» (۷۶) که با یک فاصله پس از «مدثر» قرار دارد، مکی به حساب می‌آید.

سیوطی، گفتار پراکنده نحاس را گرد می‌آورد - هر چند در گزارش سوره‌های پایانی دقت لازم را از دست می‌دهد - و سند آن را می‌ستاید و همه افراد آن را ثقه می‌خواند (نک: الاتقان، ۱ / ۳۹ - ۴۰).

- ابن ندیم (۴۳۸ ق) او که سوره‌های مکی را به نقل از مجاهد (بدون اسناد به ابن عباس) برمی‌شمارد، از «انسان» در آن میان نامی به زبان نمی‌آورد (همو، ۴۲ - ۴۳).

- حسکانی (۴۷۰ ق)، ضمن اختصار روایت، چند سوره مورد نیازش را، از این طریق یادآور می‌شود که «هل أتی» در آن چند مورد است (نک: ۲ / ۴۱۱).

۲-۱-۳- روایت جابر بن زید

این روایت را سیوطی (۹۱۱ ق) با ذکر سند، یاد می‌کند. سوره‌ها در دو بخش مکی و مدنی، جداگانه و با حرف عطف «ثُمَّ» که بیانگر ترتیب نزول است، گزارش می‌شود «انسان» از سوره‌های هر دو بخش افتاده است (نک: الاتقان، ۱ / ۹۶ - ۹۷).

۲-۱-۴- طریق ابوصالح

حسکانی (۴۷۰ ق) این روایت را به نقل از تفسیر ابو القاسم عبدالله بن محمّشاذ (معاصر خود)، از طریق کلبی، از ابوصالح می‌آورد. وی پس از برشمردن چند سوره مکی، روایت را کوتاه می‌کند و شمار آنها را ۸۳ سوره، یاد می‌کند. آن گاه به سوره‌های مدنی و از جمله «هل أتی» می‌رسد و آن را در میان دو سوره محمد و طلاق یاد می‌کند و تعداد سوره‌های مدنی را سی سوره ذکر می‌کند (نک: ۲ / ۴۱۱ - ۴۱۲).

۲-۱-۳- روایت عکرمه (۲۰-۱۰۵ ق) و حسن بصری

روایت عکرمه و حسن بصری را، این افراد ذکر می‌کنند:

- بیهقی (۴۵۸ ق) روایت را با سند... علی بن حسین بن واقد، از پدرش، از یزید نحوی - از عکرمه و حسن بن ابی الحسن - می‌آورد. در این روایت، نخست سوره‌های مکی به ترتیب نزول - هر چند با حرف عطف «و» - ذکر می‌شود. سپس به همین ترتیب به سوره‌های مدنی پرداخته می‌شود. براساس این سند، «انسان» در دسته دوم و در میان «رحمن» و «طلاق» جای خوش می‌کند.

سیوطی (۹۱۱ ق)، گفتار بیهقی را در دو مجموعه علوم قرآن خود می‌آورد (الاتقان، ۴۰ / ۱ - ۴۱، التحبیر، ۳۴ - ۳۵).

- حسکانی (۴۷۰ ق) آن روایت را با دو سند، ولی با اختصار متن می‌آورد و تنها چند سوره مدنی و از جمله هل أتی را در بین رحمن و طلاق نام می‌برد (نک: ۲ / ۴۱۳).

- طبرسی (۵۴۸ ق) نیز روایت آن دو را به نقل از استاد احمد زاهد در الإيضاح او، اما همانند حسکانی (مختصر و گزیده) یادآور می‌شود (نک: ۱۰ / ۶۱۴).

۲-۱-۴- روایت قتاده

روایت قتاده را ابوبکر بن انباری (۳۲۸ ق) با سند اسماعیل بن اسحاق قاضی، از حجاج بن منهال، از هشام - از قتاده - می‌آورد. راوی ۲۶ سوره مدنی را به ترتیب کنونی قرآن برمی‌شمارد و دیگر سوره‌ها را مکی می‌داند. در این گفتار، از «انسان» نامی به میان نیست (نک: سیوطی، الاتقان، ۱ / ۴۴؛ همو، التحبیر، ۳۵).

۲-۱-۵- روایت زهري محمد بن مسلم (۵۰ - ۱۲۴ ق)

وی در کتابچه‌ای به نام تنزیل القرآن بمکة و المدينة - که تنها همین روایت را نقل می‌کند - در بخش مکی ۸۵ سوره را با حرف عطف «ثم» و در مدنی ۲۹ سوره را به

همان ترتیب نقل می‌کند. در این اثر - که در زمره نخستین آثار موجود این موضوع است - سوره انسان سیزدهمین مورد در ۲۹ سوره مدنی و پس از «رحمن» و پیش از «طلاق» قرار دارد (نک: ۸۸ - ۹۳).

۲-۱-۶- روایت علی بن ابی طلحه

روایت او را ابو عبید قاسم بن سلّام (۲۲۴ ق) - به نقل از عبدالله بن سالم، از معاویه بن سالم، از علی بن ابی طلحه - نقل می‌کند. راوی ۲۴ سوره مدنی را برمی‌شمارد و دیگر سوره‌ها را مکی می‌داند. در بین سوره‌های مدنی، نشانی از «انسان» نیست (نک: ۲۲۱).

این گفتار ابو عبید را سیوطی در دو کتاب علوم قرآن خود می‌آورد (نک: /التقان، ۱/ ۴۳-۴۴، /التحییر، ۳۵).

۲-۱-۷- روایت عطاء بن ابی مسلم خراسانی

روایت عطاء را ماوردی (۴۵۰ ق) از طریق آدم بن ابی ایاس، از ابی شیبه شعیب بن زریق، از عطاء خراسانی می‌آورد و آن را بهترین روایت در این باب می‌خواند. در ۲۷ سوره مدنی، «هل أتی» را قرار می‌دهد که سوره دوازدهم در بین «رحمن» و «طلاق» است (نک: نزال، ۶۲ - ۶۳).

نیز حسکانی (۴۷۰ ق) این روایت را با همان سند ماوردی ولی با اختصار متن و استفاده گزینشی در مورد مدنی بودن سوره انسان ذکر می‌کند (نک: ۴۱۴/۲).

۲-۱-۸- روایت حسین بن واقد

این روایت را حسکانی (۴۷۰ ق) از طریق پسر او (علی بن حسین بن واقد) از پدرش (حسین بن واقد) نقل می‌کند. بر این اساس نیز، «هل أتی» در وسط سوره‌های مدنی و در میان «رحمن» و «طلاق» واقع می‌شود (نک: ۴۱۴ / ۲).

۲-۱-۹- گفتار ابن جوزی

ابن جوزی در این باب، سخن ابن شیطا را نقل می‌کند. بر این اساس، جمله سوره‌های مدنی ۲۹ سوره و به ترتیب کنونی قرآن گزارش می‌شود. «انسان» در این میان جای دارد. آن گاه ۸۵ سوره باقیمانده، مکی به حساب می‌آید. هر چند به اختلافی بودن پنج سوره قمر، رحمن، اخلاص و معوذتان اشاره می‌دهد (نک: فنون /الأفنان، ۱۶۰).

۲-۱-۱۰- سروده ابن حصار

ابن حصار که سوره‌های مدنی مورد اتفاق را بیست سوره و سوره‌های اختلافی را دوازده مورد و دیگر سوره‌ها را به اتفاق مکی می‌داند و در ابیاتی، دو دسته نخست را به نظم می‌کشد، از سوره مورد بحث، نامی به میان نمی‌برد (نک: سیوطی، *الاعتقان*، ۱/ ۴۴ - ۴۵، *التحییر*، ۳۳ - ۳۴).

۲-۱-۱۱- ترتیب زرکشی (۷۹۴ ق)

زرکشی در این ارتباط، تنها یک گفتار، بودن ذکر سند و منبع - ولی به تصریح خود او - بر پایه روایت افراد موثق ارائه می‌دهد. وی ۸۵ سوره را در بخش مکی و ۲۸ سوره را در بخش مدنی ترتیب می‌دهد. «انسان» در زمره سوره‌های مدنی و دوازدهم از ۲۸ سوره و در بین دو سوره رحمن و طلاق قرار دارد (نک: ۲۸۰/۱ - ۲۸۱).

۲-۱-۱۲- اقوال سیوطی (۹۱۱ ق)

سیوطی در میان گذشتگان، شاید بیشترین اقوال را در گزارش سوره‌های مکی و مدنی، گرد می‌آورد. از حدود هشت گفتار، تنها از دو گزارش (ابن ضریس و بیهقی) مدنی بودن سوره انسان را به دست می‌دهد. بیشتر دیگر موارد، بر مکی بودن سوره دلالت دارد (نک: ۳۸/۱ - ۴۵) از سوی دیگر، در فصل گزارش سوره‌های اختلافی، «انسان» را در آن زمره، برمی‌شمارد (نک: ۵۱/۱).

۲-۲- چند نکته و نقد

۲-۲-۱- نکته‌ها

۲-۱-۱- سند غالب این روایات به ابن عباس و یا شاگردان بی واسطه او همچون مجاهد، عکرمه و حسن بصری و یا شاگردان با واسطه وی همچون زهری، عطاء خراسانی، حسین بن واقد و مقاتل می‌رسد. او (ابن عباس) علاوه بر این که خود، خصوصاً در عصر نزول سوره‌های مدنی، شاهد نزول است، اعتراف دارد که بیشتر دانش خود را وامدار حضرت علی - علیه السلام - است. از سوی دیگر با عنایت به روایت ترتیب نزول از آن امام - علیه السلام - می‌توان احتمال قوی داد که ابن عباس ترتیب خود را در اصل از آن حضرت - علیه السلام - دریافت کرده باشد علاوه بر این که وی از صحابه سالخورده‌ای همچون ابی بن کعب و ابن مسعود، مطالبی اخذ داشته است (نک: سیوطی،

/لاتقان، ۳۸ / ۱، سؤال ابن عباس از ابی بن کعب در خصوص نزول سوره‌ها در مدینه؛ نکونام، ۱۳۴ - ۱۳۵).

۲-۱-۲-۲- متن این روایات، غالباً در گزارش تمامی سوره‌ها، کامل است اما در مواردی گزینشی و مختصر است. حالت دوم در اقدام حسانی و طبرسی مشهود است. دلیل این امر تلاش این دو مفسر، در اثبات مدنی بودن سوره انسان است.

۲-۱-۲-۳- عالمان علوم قرآن، غالباً این روایات را به مناسبت در آثار خود، می‌آورند اما حسانی و طبرسی در ذیل تفسیر سوره انسان به دلیل یاد شده، ذکر می‌کنند.

۲-۲-۲- نقدها

براساس غالب این روایات و اقوال، سوره انسان مدنی به‌شمار می‌آید. اما در چهار مورد، مکی گزارش می‌شود که قابل نقد جدی است.

۲-۲-۱- گفتار نحاس

گزارش نحاس، در روایت مجاهد از ابن عباس، با گفتار ابن ندیم که روایت او (مجاهد) را در برشماری سوره‌های مکی، گزارش می‌دهد و از «انسان» نام نمی‌برد (نک: ابن ندیم، ۴۲ - ۴۳) و با نقل حسانی که با همان طریق (مجاهد از ابن عباس) روایت می‌کند و آن سوره را در زمره سوره‌های مدنی، ذکر می‌کند (نک: ۲ / ۴۱۱) منافات دارد. همچنین مکی بودن سوره با نقل دیگری که مجاهد به نقل از ابن عباس، به مدنی بودن همین سوره، نظر می‌دهد، در تناقض است (نک: ابن عاشور، ۲۹ / ۳۴۳) نیز مفسرانی به نقل از مجاهد و قتاده، مدنی بودن «انسان» را یادآور می‌شوند (نک: بغوی، ۵ / ۱۸۸؛ ابن عطیه، ۵ / ۴۰۸؛ ابن جوزی، زاد/المسیر، ۴ / ۳۷۴؛ بغدادی، ۴ / ۳۷۶؛ اندلسی، ۱۰ / ۳۵۸؛ مظهری، ۱۰ / ۱۴۷؛ آلوسی، ۱۵ / ۱۶۶؛ ابن عاشور، ۲۹ / ۲۴۳ و طنطاوی، ۱۵ / ۲۱۱). بدین‌سان تعارض گفتار نحاس با روایاتی که از همان طریق، بیانگر مدنی بودن سوره است، روشن می‌شود و از اعتبار ساقط می‌گردد.

۲-۲-۲- گفتار ابن انباری

ابن انباری که در گزارش روایت قتاده، «انسان» را از قلم می‌گذارد، گویا دیگر روایات او (قتاده) را در مدنی بودن آن، از نظر می‌اندازد زیرا در حدود ده منبع دیگر از قول قتاده مدنی بودن نقل شده است (نک: همانجاها، ذیل ۲-۲-۱).

۲-۲-۳- روایت علی بن ابی طلحه

روایت ابن ابی طلحه در گفتار ابوعبید، در برابر انبوه روایات صحابه و نیز تابعان قبل و معاصر او، توان استقامت ندارد. گذشته از آن که وی (ابن ابی طلحه) صحابی راوی را ذکر نمی‌کند و خود را نرسد که در این خصوص اجتهاد نماید.

۲-۲-۴- سروده ابن حصار

ابن حصار، هر چند در این راستا زیبا می‌سراید، از آن‌رو که سروده خود را مستند نمی‌سازد، سروده‌اش را اعتنایی نمی‌باشد.

۳- روایات سبب نزول

۳-۱- گزارش و بررسی روایات

روایات سبب نزول، آثار منقول دیگری است که به شناخت مکان نزول سوره‌ها و نیز تفسیر درست آنها، کمک مؤثری می‌رساند.

این روایات درخصوص سوره انسان غالباً سبب نزول مشهوری را - به صورت کامل و یا مختصر - گزارش می‌کند؛ هرچند سبب‌های دیگری را نیز به نظر می‌رساند.

۳-۱-۱- سبب نزول مشهور و راویان و منابع آن

نخست سبب نزول مشهور سوره انسان به نقل از تفسیر زمخشری ذکر می‌شود؛ سپس این روایات به ترتیب زمانی راویان صحابه و تابعان، به نقل - ترتیب تاریخی - از تفاسیر و منابع گزارش می‌شود.

۳-۱-۱-۱- سبب نزول مشهور

زمخشری (۵۳۸ ق) در سبب نزول همه سوره، به نقل از ابن عباس می‌آورد: «حسن و حسین بیمار شدند، رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - به همراه افرادی، از آن دو عیادت کردند. به ابوالحسن پیشنهاد کردند، کاش بر فرزندان، نذری می‌کردی. آن گاه علی و فاطمه و کنیزشان فضه، نذر کردند که اگر آن دو از بیماری بهبود یابند، سه روز، روزه بگیرند. آن دو شفا یافتند، حال آن که طعامی برای خوردن نداشتند و علی از شمعون خیبری یهودی سه صاع جو قرض گرفت. فاطمه یک صاع آن را آسیاب کرد و پنج قرص نان، به تعداد نفرات پخت کرد. قرص‌های نان را در پیش‌رو گذاشتند تا افطار کنند؛ سائلی بر ایشان وارد شد و گفت: ای اهل بیت پیامبر، سلام بر

شما باد، من یکی از مسکینان مسلمان هستم، مرا طعام دهید، باشد که خداوند شما را از سفره‌های بهشتی اطعام کند. آنها او را برخورد ترجیح دادند و شب را با نوشیدن آب تنها، سپری ساختند و صبح روزه گرفتند. پس چون به شب درآمدند و طعام در مقابل نهادند، یتیمی نزدشان آمد، او را نیز بر خود برگزیدند. شب سوم اسیری وارد گشت، همانند دو شب پیش عمل کردند. صبح روز بعد، علی - رضی الله عنه - دست حسن و حسین را گرفت و روبه سوی رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نهادند. وقتی وی ایشان را دید که همانند جوجه از شدت گرسنگی می‌لرزند، گفت: چه سخت است حال بدی که در شما می‌بینم برخاست و با هم رفتند. فاطمه را در محرابش دید که پشتش به شکمش چسبیده بود و چشمانش فرو نشسته بود. پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - ناراحت گردید. آن گاه جبرئیل نازل گردید و گفت: ای محمد، خداوند به خاطر اهل بیت به تو تبریک می‌گوید، آن گاه، این سوره را بر آن حضرت قرائت کرد (همو، ۴ / ۱۹۷).

۳-۱-۲- روایان و منابع سبب نزول مشهور

- روایت علی بن ابی طالب علیه السلام

روایت علی بن ابی طالب - علیه السلام - را حسکانی (۴۷۰ ق) در سبب نزول آیات «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا» (۵-۲۲) با سند احمد بن ولید بن احمد... از هیثم بن عبدالله رمانی، از علی بن موسی رضا... از پدرش حسین، از علی بن ابی طالب - علیهم السلام - بیان می‌دارد (نک: همو، ۲ / ۳۹۴ - ۳۹۷).

وی به طریقی دیگر: روح بن عبدالله، از امام صادق - علیه السلام - از پدرش، از جدش... - علیهم السلام - این سبب را عملاً به حضرت علی - علیه السلام - می‌رساند (نک: ۲ / ۳۹۷ - ۳۹۸).

- روایت ابن عباس

برخی، روایت ابن عباس را، بدون ذکر طریقی گزارش می‌کنند:

زمخشری (نک: ۴ / ۱۹۷)؛ طبرسی (نک: ۱۰ / ۶۱۱ - ۶۱۲)؛ میبدی (نک: ۱۰ / ۳۱۹ - ۳۲۱)؛ فخرالدین رازی (نک: ۳۰ / ۷۴۶ - ۷۴۷)؛ نیشابوری (نک: ۴۰ / ۴۱۲)؛ بیضاوی

(نک: ۵ / ۲۷۰ - ۲۷۱)؛ بغدادی (نک: ۴ / ۳۷۸)؛ سیوطی (به نقل از ابن مردویه، الدر المنثور، ۶ / ۳۹۹)؛ حقی (نک: ۱۰ / ۲۶۸)؛ مظهري (به نقل از ثعلبی، نک: ۱۰ / ۱۵۵)؛ آلوسی (به نقل از ابن مردویه، نک: ۱۵ / ۱۷۴)؛ ملاحویش (نک: ۶ / ۷۲).

و برخی دیگر، روایت را از طریق تابعان (از ابن عباس) یادآور می‌شوند: طریق مجاهد (از ابن عباس)، حسکانی (در چند سند، نک: ۲ / ۳۹۸)؛ قرطبی (نک: ۲۰ / ۱۳۰ - ۱۳۴) و طریق لیث بن أبی سلیم، از مجاهد (از ابن عباس)، حسکانی (در سه سند، نک: ۲ / ۳۹۱ - ۴۰۲) و یعقوب بن قعقاع از مجاهد (از ابن عباس)، حسکانی (نک: ۲ / ۴۰۳)؛ مجاهد و عطاء (از ابن عباس)، بغوی (نک: ۵ / ۱۹۱)؛ مظهري (نک: ۱۰ / ۱۵۵).

طریق سعید بن جبیر (از ابن عباس)، حسکانی (نک: ۲ / ۴۰۳) و سعید بن جبیر و اصبع بن نباتة، حسکانی (نک: ۲ / ۴۰۴ - ۴۰۵).

طریق ضحاک (از ابن عباس)، حسکانی (نک: ۲ / ۴۰۳).

طریق ابو صالح، (کلبی، از ابو صالح، از ابن عباس)، حسکانی (نک: ۲ / ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۶).

طریق عطاء (از ابن عباس)، واحدی، طبرسی (نک: ۱۰ / ۶۱۲)؛ ابن جوزی (نک: ۴ / ۳۷۷)؛ آلوسی (نک: ۱۵ / ۱۷۳ - ۱۷۴) و اسحاق بن فضیح، از عطاء، حسکانی (نک: ۲ / ۴۰۳) و ابن جریج، از عطاء، حسکانی (نک: ۲ / ۴۰۵).

– روایت جعفر بن محمد – علیه السلام –

این روایت را سور آبادی (بدون طریق) (نک: ۴ / ۲۷۳۶ - ۲۷۳۹) و حسکانی از طریق حسن بن مهران، از مسلم بن جابر، از امام – علیه السلام – (و طرق دیگر از مسلم) و نیز از طریق معاویه بن عمار، از امام صادق – علیه السلام – (نک: ۲ / ۳۹۷ – ۳۹۸) و طبرسی با سند علی بن ابراهیم، از پدرش، از عبدالله بن میمون، از ابو عبدالله – علیه السلام – (نک: ۱۰ / ۶۱۲) بیان می‌دارند.

– بدون سند

برخی مفسران، سبب نزول معروف را بدون ذکر سند یادآور می‌شوند: مقاتل (نک: ۴ / ۵۲۵)؛ سمرقندی (نک: ۳ / ۵۲۷)؛ ثعلبی (نک: ۱۰ / ۹۸)؛ قشیری (نک: ۳ / ۶۶۳)؛ ابن

عطیه (نک: ۴۰۸ / ۵)؛ ابن عربی (نک: ۳۹۲ / ۲)؛ اندلسی (نک: ۱۰ / ۳۶۲)؛ حجازی (نک: ۳ / ۷۹۶)؛ طنطاوی (نک: ۱۵ / ۲۲۰).

۳-۱-۲- سبب‌های نزول دیگر

علاوه بر سبب نزول مشهور، سبب‌های دیگری نیز در منابع گزارش می‌شود:

۳-۱-۲-۱- ابوالدحداح انصاری

مقاتل بن سلیمان (۱۵۰ق) در ذیل تفسیر آیه «وَ يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّه...» (۸) سبب نزول را، علاوه بر علی بن ابی طالب - علیه‌السلام - در مورد ابوالدحداح می‌آورد و اطعام کننده را وی قلمداد می‌کند (نک: ۴ / ۵۲۵)؛ سمرقندی، بدون ذکر سند، نزول در شأن مردی از انصار را می‌افزاید (نک: ۳ / ۵۲۷)؛ بغوی، گفتار اخیر مقاتل را یادآور می‌شود (نک: ۵ / ۱۹۱)؛ ابن عطیه، بدون ذکر سند، سبب ابوالدحداح را می‌افزاید (نک: ۵ / ۴۰۸)؛ ابن جوزی، همین نقل مقاتل را نیز گزارش می‌دهد (نک: ۴ / ۳۷۷)؛ بغدادی، بی سند، این سبب را نیز دارد (نک: ۴ / ۳۷۸)؛ ابن عاشور، بدون سند، سبب را اضافه می‌کند (نک: ۲۹ / ۳۴۴).

۳-۱-۲-۲- ابن عمر

ابن کثیر (۷۷۴ق) شاید تنها مفسری است که ذیل «و يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّه...» (۸) به نقل از بیهقی، از طریق اعمش، از نافع، این سبب را می‌آورد که ابن عمر مریض شد و هوس انگور کرد. وقتی انگور به بازار آمد، همسرش صفیه، فردی را فرستاد و یک خوشه خرید. سائلی آن فرستاده را تعقیب کرد، پس از ورود، سائل آن خوشه را درخواست کرد و ابن عمر گفت: آن را به او دهید. گویا ماجرا سه بار جریان یافت (نک: ۸ / ۲۹۵).

۳-۲- نکته‌ها و نقدها

۳-۲-۱- نکته‌ها

۳-۱-۱-۱- سند غالب روایات، در سبب نزول مشهور، به ابن عباس می‌رسد.
 ۳-۱-۲-۲- مفسران، برخی این سبب نزول را برای همه سوره همانند قشیری، زمخشری، ابن عطیه، قرطبی (گزارش کلام قشیری) و برخی برای آیات ۵ - ۲۲ سوره، همچون حسانی و طبرسی و برخی بیشتر ذیل «و يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّه...» (۸)

به سان مقاتل، سور آبادی، واحدی، بغوی، میبیدی، ابن جوزی، ابن عربی، فخر الدین رازی، قرطبی و... گزارش می کنند .

۳-۲-۱- بیشتر مفسران، سبب نزول مشهور را ذکر می کنند و هیچ مفسری، سبب را به ابوالدحداح انصاری اختصاص نمی دهد بلکه آن را تنها در کنار سبب مشهور یادآور می شود؛ مثل مقاتل، سمرقندی، بغوی، ابن عطیه، ابن جوزی و... تنها ابن کثیر است که سبب ابن عمر را به تنهایی نقل می کند.

۳-۲-۲- نقدها

۳-۲-۱- نقد سبب ابو الدحداح: اقدام مفسرانی که علاوه بر سبب مشهور، آن را در مورد ابوالدحداح نیز یادآور می شوند، با نقد جدی روبرو است زیرا این سبب را نخست مقاتل (۱۵۰ ق) پایه می نهد و با این فرض که گفتار خود او باشد و از افزوده های راوی تفسیر نباشد، باز هم قابل اعتناء نیست زیرا وی (مقاتل) سند گفتارش را در صحابی و یا تابعی قبل از خود یاد نمی کند و اجتهادش در این خصوص، روا نباشد و روایتش با انبوه روایات صحابه و تابعان قبل و معاصر او در گزارش سبب نزول مشهور، سازش ندارد.

مفسران بعدی، مستندی جز گفتار مقاتل ندارند و برخی به آن تصریح دارند؛ مثل بغوی (نک: ۵ / ۱۹۱)؛ ابن جوزی (نک: ۴ / ۳۷۷) و برخی بدون سند، این گفتار را بر زبان می رانند؛ همانند سمرقندی (نک: ۳ / ۵۲۷)؛ ابن عطیه (نک: ۵ / ۴۰۸)؛ بغدادی (نک: ۴ / ۳۷۸)؛ ابن عاشور (نک: ۲۹ / ۳۴۴).

۳-۲-۲- نقد سبب ابن عمر (۷۳ ق): اقدام ابن کثیر (۷۷۴ ق) که از انبوه روایات و اقوال پیش روی خود، چشم فرو می بندد و تنها خود را به گزارش همین سبب، ویژه می سازد، قابل توجه جدی نیست.

۳-۲-۳- نقد تلاش برخی مفسران: گفتار اندک مفسرانی که تلاش دارند، سبب نزول مشهور را به چالش کشند، توجهی نباشد و آن افراد اندک، گرچه روایت را نقد می کنند، ولی همه به فضائل علی - علیه السلام - و اهل بیت ایشان معترف هستند (نک: رازی، ۳۰ / ۷۴۷)؛ قرطبی، نک: ۲۰ / ۱۳۰ - ۱۳۴)؛ اندلسی (۱۰ / ۳۶۲)؛ آلوسی (۱۵ / ۱۷۴).

۴- شواهد و قرائن دیگر

شواهد و قرائن دیگری نیز، مدنی بودن سوره را مورد تأکید قرار می‌دهد. برخی از آنها تعبیرات و مضامین سوره است مثل:

۴-۱- وفای به نذر: در توصیف ابرار ذکر می‌شود: «إِنَّ الْأَبْرَارَ ... يُوْفُونَ بِالْأَنْذَرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (۷) وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا». وفا و ایفای نذر، اداء کردن و انجام دادن آن است واژه «نذر» (به صورت اسمی) غیر از این مورد، تنها یک بار دیگر در قرآن به کار رفته که با فعل آن نیز همراه است: «... أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ ...» (البقره، ۲۷۰)؛ در مدنی بودن سوره بقره اختلافی نیست. در کاربردی دیگر نیز «نَذَرْتُ» در سوره‌ای مدنی آمده است: «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا» (آل عمران، ۳۵)؛ گر چه فعل آن در سوره مکی مریم نیز یک بار کاربرد دارد «... إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا ...» (مریم، ۲۶) هر چند این دو نذر مادر و دختر نشان می‌دهد که قبل از اسلام نیز نذر وجود داشته است اما تأیید و تشویق و استحباب آن، از دو آیه اول مدنی، روشن‌تر به‌دست می‌آید.

۴-۲- اطعام مسکین: این امر در هر دو دسته از سوره‌ها، کاربردی به یک اندازه دارد. پنج مورد در سوره‌های مکی غالباً توبیخ و سرزنش به خاطر اطعام نکردن مسکین توسط کفار و مخالفان است: «و لَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ» (الحاقه، ۳۴؛ ماعون، ۳ و المدثر، ۴۴ و پنج بار در سوره‌های مدنی که غالباً در مقام تشریع احکام خصوصاً کفاره است: «... وَ عَلَى الَّذِينَ يَطِيقُونَهُ فِدْيَةُ طَعَامٍ مَسْكِينٍ ...» (البقره، ۱۸۷)؛ المائده، ۸۹، ۹۵؛ آیه مورد بحث نیز در راستای آیات مدنی و تشویق به آن است.

۴-۳- اطعام یتیم: اما «اطعام یتیم» به صورت صریح، دو کاربرد قرآنی دارد. یکی در سوره مکی بلد (۱۴ - ۱۵) و دیگری در آیه مورد بحث که نزدیک بودن آن به یک حکم شرعی روشن است.

۴-۴- اطعام اسیر: مورد مهم دیگر اطعام اسیر است. کلمه اسیر به صورت مفرد، فقط یک بار در قرآن و آن هم در همین آیه، به کار رفته است و جمع مکسر آن «أسرى» دو بار و «أسارى» یک بار که همه در سوره‌های مدنی آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى ...» (الانفال، ۷۰؛ و الانفال، ۶۷؛ البقره، ۸۵). هر چند آیه

«بقره» در مورد اسیران بنی اسرائیل است اما از کاربرد واژه «اسیر» در سوره‌های مدنی به دست می‌آید که اسارت دشمنان به دست مسلمانان، در مدینه واقع شده و به همین دلیل، در سوره مدنی مورد بحث، اطعام آنها تشریع و تشویق می‌شود. نیز این مطلب که در سرتاسر حضور پیامبر اسلام (ص) در مکه، حتی یک اسیر هم یافت نمی‌شد و اصولاً تصور وجود اسیر در جامعه‌ای که فاقد حکومت مرکزی و سپاه و رزمنده باشد، دشوار است؛ در حالی که سیاق آیات نشان می‌دهد در آنجا (مدینه) اسرای فراوانی وجود دارند که نیازمند اطعام و اکرام هستند (نیز نک: طباطبایی، ۱۳۱/۲۰-۱۳۶).

نتیجه‌گیری

اکنون - با توجه به مطالب بخش‌های ۲-۴ همین نوشتار - می‌توان به محدوده زمانی نزول سوره «انسان» نیز نزدیک شد. درست با همین هدف، با نیم‌نگاهی به مباحث گذشته، نتیجه لازم پیگیری می‌شود:

با عنایت به روایات ترتیب نزول سوره‌ها هم مدنی بودن «انسان» و هم نزول ترتیبی آن در محدوده میانی سوره‌های مدنی و هم نزول قبل از سوره طلاق به دست آمد. حال اگر سوره طلاق - که در مدنی بودن آن هیچ اخلاقی نیست - در آغاز دسته سوره‌هایی باشد که در مرحله میانی مدینه، نازل شده «انسان» هم کمی قبل از آن و یا معاصر آن نزول یافته است. از طرف دیگر، روایات سبب نزول «طلاق»، برخی طلاق دادن رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - حفصه دختر عمر را - به خاطر افشای سرّ آن حضرت به عایشه - و وساطت و در نهایت رجوع، گزارش می‌دهد و برخی طلاق برادر حفصه (عبدالله بن عمر) زنش را در حیض بودن و تأکید پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - به رجوع تا خارج شدن از آن حالت، بیان می‌دارد. در این حال، اگر ازدواج رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - با حفصه، از حوادث سال سوم هجری باشد تاریخ نزول سوره انسان پس از آن سال، برآورد می‌شود.

روایات سبب نزول، نزول سوره را در مورد حضرت علی - علیه السلام - و فاطمه - علیها السلام - و حسن و حسین - علیهما السلام - و خادیشان فضه بیان می‌دارد. حال اگر عقد ازدواج حضرت زهرا - علیها السلام - در سال دوم هجرت و جشن زناشویی در

محرم سال سوم و نیز ولادت حسن - علیه السلام - در نیمه رمضان همان سال و تولد حسین - علیه السلام - در شعبان سال چهارم باشد، نزول سوره انسان را می‌توان در سال پنجم تخمین زد.

کتاب‌شناسی

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ۳- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، *تفسیر القرآن العظیم*، به کوشش اسعد محمد طیب، عربستان، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.
- ۴- ابن جوزی، ابو الفرج عبدالرحمن، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
- ۵- همو، *فنون الأفنان فی عجائب علوم القرآن*، بیروت مؤسسه الکتب الثقافیه، (۱۴۲۲ق).
- ۶- ابن ضریس، ابو عبدالله محمد بن ایوب بحلی (۲۰۰ - ۲۹۴ ق)، *فضائل القرآن و ما أنزل من القرآن بمکه و ما أنزل بالمدينه*، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
- ۷- ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر*، بی‌جا، بی‌تا.
- ۸- ابن عربی، ابو عبدالله محمد بن محیی الدین، *تفسیر*، به کوشش سمیر مصطفی رباب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- ۹- ابن عطیه اندلسی، عبد الحق بن غالب، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، به کوشش عبد السلام محمد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- ۱۰- ابن کثیر، دمشقی اسماعیل بن عمرو، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- ۱۱- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، به کوشش شیخ ابراهیم رمضان، بیروت، دار المعرفه، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
- ۱۲- ابو عیید، قاسم بن سلّام هروی، *فضائل القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۶ق.
- ۱۳- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
- ۱۴- بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ۱۵- بغوی، حسین بن احمد، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، به کوشش عبدالرزاق مهدی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

- ١٦- بيضاوى، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزيل و أسرار التأويل*، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤١٨ق.
- ١٧- بيهقى، احمد بن حسين، ابوبكر، *دلائل النبوه*؛ بى تا.
- ١٨- ثعالبى، عبدالرحمن بن محمد، *جواهر الحسان فى تفسير القرآن*، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤١٨ق.
- ١٩- ثعلبى، نيشابورى ابو اسحاق احمد بن ابراهيم، *الكشف و البيان عن تفسير القرآن*، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٢٢ق.
- ٢٠- حجازى، محمد محمود، *التفسير الواضح*، بيروت، دار الجيل الجديد، ١٤١٣ق.
- ٢١- حسانى، عبيدالله بن احمد، *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل*، به كوشش محمد باقر محمودى، تهران، وزارت ارشاد اسلامى، ١٤١١ق.
- ٢٢- حقى، برسوى اسماعيل، *تفسير روح البيان*، بيروت، دار الفكر، بى تا.
- ٢٣- رازى، محمد بن عمر، *مفاتيح الغيب* (تفسير كبير)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٢٠ق، چاپ سوم.
- ٢٤- زحيلي، وهبة بن مصطفى، *التفسير المنير فى العقيدة و الشريعة و المنهج*، بيروت و دمشق، دار الفكر المعاصر، ١٤١٨ق.
- ٢٥- همو، *التفسير الوسيط*، دمشق، دار الفكر، ١٤٢٢ق.
- ٢٦- زرکشى، بدرالدين محمد بن عبدالله، *البرهان فى علوم القرآن*، به كوشش عبدالرحمن مرعشى و...، بيروت، دار المعرفة، چاپ دوم، ١٤١٥ق / ١٩٩٤م.
- ٢٧- زمخشرى، ابو القاسم جار الله محمود بن عمر، *الكشاف عن حقائق التنزيل...*، دار الفكر، بى تا.
- ٢٨- زهرى، محمد بن مسلم، *الناسخ و المنسوخ و در ادامه آن، تنزيل القرآن بمكة و المدينة*، به كوشش حاتم صالح ضامن، بغداد، وزارت آموزشعالى، ١٤١١ق.
- ٢٩- سمرقندى، نصر بن محمد بن بن احمد، *بحر العلوم*، بى جا، بى تا.
- ٣٠- سورآبادى، ابو بكر عتيق بن محمد، *تفسير*، تهران، فرهنگ نشر نو، ١٣٨٠ش.
- ٣١- سيوطى، جلال الدين، *الايتقان فى علوم القرآن*، به كوشش محمد ابو الفضل ابراهيم، منشورات رضى.
- ٣٢- همو، *التحبير فى علم التفسير*، بيروت، دار الفكر، ١٤٢١ق.
- ٣٣- همو، *الدر المنثور فى تفسير بالمأثور*، قم، كتابخانه آية الله مرعشى، ١٤٠٤ق.
- ٣٤- سيد قطب، ابن أبى ابراهيم شاذلى، *فى ظلال القرآن*، بيروت و قاهره، دار الشروق، ١٤١٢ق، چاپ هفدهم.
- ٣٥- صالح، صبحى، *مباحث فى علوم القرآن*؛ بيروت، دار العلم للملايين، ١٩٨٨م، چاپ هفدهم.

- ۳۶- طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- ۳۷- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
- ۳۸- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
- ۳۹- طنطاوی، سید محمد، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، بی جا، بی تا.
- ۴۰- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث.
- ۴۱- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
- ۴۲- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، *لطایف الإشارات*، به کوشش ابراهیم بسیونی، مصر، الهيئة المصرية العامة للکتب، چاپ سوم.
- ۴۳- مراغی، احمد بن مصطفی، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۴۴- مظهری، محمد ثناء الله، *التفسیر المظهری*، پاکستان، مکتبه رشديه، ۱۴۱۲ق.
- ۴۵- مقاتل، بن سلیمان بلخی، *تفسیر مقاتل*، به کوشش شحاته، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ق.
- ۴۶- ملاحویش، آل غازی عبدالقادر، *بیان المعانی*، دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.
- ۴۷- میبدی، رشیدالدین احمد بن أبی سعد، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱ش، چاپ پنجم.
- ۴۸- نحاس، ابو جعفر محمد بن احمد بن اسماعیل صفار، *الناسخ و المنسوخ فی القرآن*، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیه، چاپ دوم.
- ۴۹- نکونام، جعفر، *درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن*، تهران، نشر هستی نما، ۱۳۸۰ش.
- ۵۰- نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بیروت، دارالکتب العملیه، ۱۴۱۶ق.